

## بختیاریها، نفت و دولت انگلیس

○ دکتر غفار پوربختیار\*

### زمینه تاریخی روابط

انگلیسی‌ها سال‌ها قبل از کشف نفت در مسجد سلیمان، با بختیاری‌ها روابط دوستانه برقرار نموده بودند. بختیاری یکی از ایلات جنوب ایران است که تابستانها را در چهارمحال بختیاری و زمستانها را در خوزستان می‌گذرانند. این ایل در تاریخ دارای قدرت نظامی بسیاری بوده که هر از گاهی قدرت خود را به نمایش گذاشته است. فتح تهران و سرنگونی محمدعلی شاه قاجار نمونه آنهاست. به همین جهت، دول خارجی برای حفظ منافع خود علاقه‌مند به برقراری روابط دوستانه با ایل بختیاری بوده‌اند؛ به ویژه دولت انگلیس که در قرون ۱۹ و ۲۰ برای حفظ منافع خود در هندوستان به دنبال جلوگیری از ایجاد دولت مرکزی و قوی در ایران بوده است. انگلیسی‌ها علاقه‌مند بودند از رهبران محلی به ویژه رهبران ایلات و عشایر حمایت به عمل آورند و با تقویت آنها نگذارند دولت مرکزی قاجار اقتدار و استحکام زیادی بیابد. در صورت تقویت دولت مرکزی ایران، هند مستعمره گرانسنگ انگلیس از سوی ایران و به ویژه روسیه تزاری به خطر می‌افتاد، زیرا در آن روزگار و به ویژه پس از معاهده ترکمان‌چای، دربار و دولت قاجار به شدت تحت حمایت و وابستگی تزارها قرار داشت. با محاصره هرات توسط محمدشاه قاجار که به تحریک دولت روسیه انجام گرفت، حساسیت دولت انگلیس را نسبت به امنیت هند دوچندان کرد. بنابراین ضمن اعزام نیروهای خود به جنوب ایران و تصرف جزیره خارک و مناطق دیگر، با رهبران محلی ایل

بختیاری طرح دوستی و اتحاد بر ضد دولت قاجار ریخت. سر هنری لایارد دیپلمات انگلیسی مأمور این کار گردید و با دست‌آویز بازدید از آثار باستانی خوزستان به میان ایل بختیاری آمد و با محمدتقی خان چهارلنگ روابط دوستانه برقرار کرد و او را بر ضد محمدشاه قاجار تحریک نمود. در ادامه، با کمک‌های راولینسون افسر انگلیسی که در سپاه قاجار فعالیت داشت محمدتقی خان ادعای استقلال بختیاری را مطرح کرد و به مبارزه با دولت مرکزی پرداخت. اما چون محمدشاه قاجار از ترس تجاوزات بیشتر قوای انگلیسی به ایران، محاصره هرات را رها کرد و به تهران بازگشت، دولت انگلیس نیز حمایت از محمدتقی خان چهارلنگ را به فراموشی سپرد و او را به حال خود واگذاشت. خان بختیاری هم دستگیر گردید و تا پایان عمر در زندان قاجارها باقی ماند. تا سالها پس از این واقعه انگلیس و بختیاری‌ها پیوند دوستانه و محکمی نداشتند و منابع از حضور انگلیسی‌ها در میان ایل بختیاری ذکر و یا اشاره‌ای به عمل نمی‌آورند تا اینکه پس از کسب قدرت حسین‌قلی خان بختیاری و منصوب شدن به مقام ایلخانی کل بختیاری از جانب ناصرالدین شاه، بار دیگر انگلیسی‌ها رفت و آمد به میان ایل بختیاری را آغاز و با حسین‌قلی خان رابطه دوستانه برقرار کردند؛ کسانی چون استاک، مکزی و لینچ دیدارها و گفتگوهایی با او داشتند. این روابط دوستانه که از جانب دولت قاجار نامطلوب تلقی می‌گردید بار دیگر خشم قاجارها را نسبت به این خان بختیاری برانگیخت و حسین‌قلی خان نیز همانند سلفش محمدتقی خان مغضوب و به قتل رسید. اما روابط بختیاری‌ها و انگلیس دیگر منقطع نگردید بلکه ادامه یافت و مدتی بعد منجر به انعقاد دو قرارداد گردید. ابتدا در ۱۳۱۴ هـ.ق/۱۸۹۷ م قرارداد جاده بختیاری میان شرکت برادران لینچ و خوانین بختیاری بسته شد که این جاده از اهواز آغاز گردیده، از طریق کوه‌های بختیاری به اصفهان می‌رسید. بازرگانان انگلیسی از طریق این جاده کوتاه و میان‌بر کالاهای خود را تحت حفاظت و حراست سواران بختیاری به اصفهان، یکی از مراکز بازرگانی ایران می‌رساندند و از این طریق سود سرشاری به دست می‌آوردند. انعقاد این قرارداد باعث شد روابط دوستانه اما غیررسمی دولت انگلیس و خوانین بختیاری جنبه رسمی به خود بگیرد که سرانجام با انعقاد قرارداد نفتی میان طرفین به اوج خود رسید.

### کشف نفت و قرارداد نفت بختیاری

هنری لایارد<sup>۱</sup> به هنگام مسافرت خود به خوزستان و حضور در میان بختیاری‌ها، در مشرق شوشتر با چشمه‌هایی مواجه گردید که از آن مایه‌ای تیره‌رنگ خارج می‌شد. او می‌نویسد: «نزدیک ظهر به محلی به نام چشمه نفت رسیدیم، از این چشمه مقداری مایه تیره‌رنگ به نام مومیایی تولید می‌گردد که معمولاً ایرانی‌ها جهت درمان کوفتگی شدید و درد مفاصل به کار می‌برند. در

اینجا ساختمان کوچکی احداث شده و چند نفر تفنگچی هم از طرف محمدتقی خان از آن چشمه محافظت می‌کنند.<sup>۲</sup> این دومین باری بود که یک انگلیسی از وجود نفت در خوزستان خبر می‌داد. پیش از این راولینسون<sup>۳</sup> در سال ۱۸۳۶م/۱۲۵۲ق به هنگام همراهی با لشکرکشی دولت ایران به فرماندهی بهرام میرزا و برای سرکوبی محمدتقی خان چهارلنگ بختیاری، از وجود چشمه‌های قیر بین شوشتر و رامهرمز خبر داده بود.<sup>۴</sup> این نکته که فاتح می‌نویسد انگلیسی‌ها از طریق نوشته‌های و. د. مورگان باستان‌شناس فرانسوی پی به وجود نفت در این منطقه برده‌اند قابل تأمل و تعجب می‌باشد.<sup>۵</sup>

انگلیسی‌ها از مدتها قبل به جستجوی نفت در ایران برآمده بودند. سرانجام ویلیام ناکس دارسی<sup>۶</sup> در ۲۹ مه ۱۹۰۱/۱۰ صفر ۱۳۱۹ امتیاز نفت را از مظفرالدین شاه به دست آورد. او ابتدا در منطقه چاه سرخ کرمانشاه نزدیک مرز ایران و عراق اقدام به جستجوی نفت نمود اما چون نفت به دست آمده در مقیاس وسیع و تجاری نبود و سود چندانی برای او نداشت کار متوقف شد.<sup>۷</sup> دارسی با توجه به گزارش‌های مسافران و مأموران سابق انگلیس مبنی بر وجود چشمه‌های نفت در اطراف شوشتر، کاوش نفت را در این منطقه دنبال کرد. لذا دارسی در محلی به نام مسجد سلیمان که در حوالی شوشتر قرار داشت به دنبال کشف نفت برآمد و مهندسین او در دو منطقه ماماتین و نفتون مشغول به کار شدند. این منطقه جزو قلمرو گرمسیری ایل بختیاری بود و عشایر بختیاری زمستان خود را در آنجا می‌گذرانند. اراضی و املاک آنجا تحت حاکمیت خوانین بختیاری قرار داشت. دارسی درصدد برآمد برای تسهیل کار خود با خوانین بختیاری به عنوان مالکان و حاکمان این منطقه وارد مذاکره شده، قراردادی منعقد نماید. از آنجایی که خوانین قدرت واقعی و برجسته این منطقه بودند و تا این زمان اقتدار دولت مرکزی در این نقطه همچنان ضعیف مانده بود، قبل از انجام هرگونه عملیات اکتشاف و حفاری مذاکره و توافق با آنها ضرورت داشت. دارسی در ابتدا بدون اطلاع و اجازه دولت ایران با اسفندیار خان سردار اسعد ایلیخانی و محمدحسین خان سپهدار ایل بیگی بختیاری وارد مذاکره شد. سپهدار پیش‌نویس قراردادی را تنظیم و به انگلیسی‌ها پیشنهاد کرد. مواد مندرجه آن به نوشته اوژن بختیاری بسیار محکم، قانونی و حتی از لحاظ قوانین بین‌المللی متقن بود، اما انگلیسی‌ها زیر بار نرفتند. آنها که می‌خواستند با هزینه کم منافع بسیاری به دست آورند تنها حاضر شدند سالیانه مبلغی به عنوان حق‌الارض به ایلیخانی و ایل بیگی بختیاری پردازند.<sup>۸</sup> با مرگ اسفندیارخان و پس از چندی محمدحسین خان، انگلیسی‌ها که شرایط را مساعد دیدند تصمیم گرفتند با حاکمان جدید بختیاری وارد مذاکره شوند. ابوالفتح اوژن بختیاری حتی احتمال می‌دهد که مسئله نفت در مرگ مشکوک و پر سر و صدای محمدحسین سپهدار بی‌تأثیر نبوده باشد. او می‌نویسد: «بعید هم نیست که محمدحسین خان سپهدار

اولین قربانی نفت در ایران شده باشد»<sup>۹</sup> داری، پریس<sup>۱۰</sup> کنسول انگلیس در اصفهان را به عنوان نماینده ویژه و تام‌الاختیار خود تعیین کرد تا با خوانین بختیاری وارد مذاکره شود. او ابتدا در بهار ۱۹۰۵م/۱۳۲۳ق و بار دیگر در پاییز همان سال به منطقه بختیاری سفر کرد؛ به این امید که بتواند به یک قرارداد پرسود برسد. خوانین قبل از شروع مذاکره می‌خواستند از مقاصد نهایی صاحب امتیاز در قلمرو بختیاری اطلاع حاصل کنند. در این موقع نجفقلی خان صمصام‌السلطنه و غلامحسین خان شهاب‌السلطنه (سردار محتشم بعدی) به ترتیب ایل خانی و ایل بیگی بختیاری بودند. آنها در مذاکرات خود با پریس ده درصد از درآمد شرکت را مطالبه نمودند اما علیقلی خان سردار اسعد پس از نشست پشست میز مذاکرات، آن رقم را کافی ندانسته و بیست درصد از درآمد را مطالبه کرد. سردار اسعد از هر نظر از خوانین دیگر به ویژه از ایلخانی و ایل بیگی برجسته‌تر بود. او از دانش و اطلاعات و هوش و ذکاوت زیادتری نسبت به دیگر خوانین برخوردار بود. سالها اقامت در تهران و دوستی‌اش با امین‌السلطان صدراعظم و مسافرت به اروپا از جمله امتیازاتی بود که دیگر خوانین فاقد آن بودند. او با شخصیت برجسته خود، نفوذ بسیاری بر همه طوایف بختیاری داشت. سردار اسعد از اینکه ایلخانی و ایل بیگی یک قبضه تفنگ و یک عدد ساعت به عنوان هدیه از طرف دولت انگلستان قبول کرده بودند، بسیار عصبانی بود.<sup>۱۱</sup> او در مقابل پریس، برای کسب امتیازات بیشتر و حفظ منافع بیشتر خوانین تلاش نمود. با وجود مقاومت سردار اسعد، ایلخانی و ایل بیگی بختیاری مواد قراردادی را که پریس بر اساس سه درصد درآمد سهام برای خوانین تنظیم کرده بود، امضا کردند و پس از دو روز با چانه‌زنی بسیار و تلاش زیاد، سردار اسعد نیز قرارداد را امضاء نمود.<sup>۱۲</sup> این پیروزی بزرگی برای پریس بود که توانسته بود امتیازات ارزانی از خوانین کسب نماید.

نکته عجیب این است که خوانین و به ویژه سردار اسعد که حتی به بیست درصد از درآمد نیز راضی نمی‌شدند چگونه تنها به سه درصد راضی شدند. به گفته اوژن، خوانین بختیاری می‌توانستند از موقعیت فراهم آمده در خصوص نفت استفاده ببرند اما چون سیاستمدار نبودند به همان سه درصد تن دادند. آنها به آسانی مغلوب مکر و حيله پریس گردیدند.<sup>۱۳</sup>

در ۱۷ رمضان ۱۳۲۳ مطابق با ۱۵ نوامبر ۱۹۰۵ قراردادی متشکل از شش فصل میان چهار تن از خوانین بختیاری، دو تن از اولاد ایلخانی به نام‌های نجفقلی خان صمصام‌السلطنه و علیقلی خان سردار اسعد و دو تن از اولاد حاجی ایلخانی به نام‌های غلامحسین شهاب‌السلطنه (سردار محتشم بعدی) و نصیرخان صارم‌الملک (سردار جنگ بعدی)، به نمایندگی از جانب خود و خانواده‌هایشان از یک طرف و پریس سرکنسول انگلیس در اصفهان و نماینده ویلیام ناکس داری و شرکا از طرف دیگر امضاء گردید. دولت ایران نه تنها نقشی در این قرارداد نداشت

بلکه بدون اطلاع و اجازه آن صورت گرفته بود. محمدتقی امین‌الشریعه منشی اول پریس و رینولدز<sup>۱۴</sup> سرمهندس منطقه عملیات حفاری مسجد سلیمان نیز به عنوان شهود آن را امضا نمودند.<sup>۱۵</sup> ماده اول قرارداد درباره زمان پنج ساله عملیات و اقدامات داری به اکتشاف نفت در قلمرو بختیاری، احداث راهها و خطوط لوله و منازل مسکونی و غیره بود. برای این کار خوانین بختیاری می‌باید زمین لازم را به داری می‌دادند؛ زمین‌های غیر زراعی، رایگان، و زمین‌های زراعی را به قیمت عادلانه روز می‌فروختند و در صورت اختلاف بر سر قیمت زمین، نایب کنسول انگلیس در خرمشهر و رئیس نگهبانان که بختیاری‌ها تعیین کرده‌اند میانجی شده، مشکل را حل می‌نمودند. حفاظت و حراست خانه‌های مسکونی، راهها و سایر تأسیسات و ابنیه مناطق عملیات حفاری و امنیت تمام کارکنان و مسئولیت هرگونه خسارت و یا ضرری که به کارکنان و یا منازل و تأسیسات نفتی وارد آید، با خوانین بختیاری بود، و در مقابل سالی دو هزار لیره استرلینگ در چهار قسط دریافت می‌داشتند. خوانین بختیاری موظف شدند دو دسته نگهبانان در دو نقطه‌ای که عملیات حفاری آغاز شده بود در اختیار داری قرار دهند و هنگامی که نفت کشف شد و عملیات حفاری در چند نقطه گسترش یافت، خوانین بختیاری می‌بایست چند دسته نگهبان در نقاط مختلف جهت حفاظت از منطقه عملیات به محل اعزام بدارند. در ماده دوم قرارداد ذکر شده بود که در صورت کشف و تولید نفت در قلمرو بختیاری به اندازه‌ای که داری بتواند آن را تصفیه و صادر کند، پس از احداث خط لوله و ورود نفت به پالایشگاه، داری هر ساله مبلغ یک هزار لیره دیگر (جمعاً سه هزار لیره) جهت حفاظت خط لوله، منازل و تأسیسات نفتی به خوانین بپردازد. همچنین داری متعهد شد که پس از تشکیل یک یا چند شرکت جهت کشف نفت در بختیاری، سه درصد از همه سهام عمومی را به خوانین بختیاری واگذار کرده، قیمت آن را از آنها بگیرد. ماده سوم در این باره بود که در صورت خسارت و صدمه احتمالی چشمه‌های نفت توسط کارکنان داری، داری به خوانین خسارت بپردازد و در صورت ایجاد اختلاف، کنسول انگلیس در اصفهان میانجی شده، مسئله را حل و فصل نمایند. ماده چهارم باز هم درباره حفاظت میدین و تأسیسات نفتی بود که مطابق آن خوانین متعهد شدند یکی از میان خود را به ریاست امور نگهبانی منصوب کنند تا او بتواند هم مأمورین حفاظتی و هم کارگران ایرانی را که در استخدام داری هستند به انجام وظیفه وادارد تا وظایف خود را صادقانه انجام داده، موجب کسب رضایت داری شوند. در ماده پنجم ذکر شده بود مبلغی را که خوانین بختیاری بابت اقدامات ذکر شده در این قرارداد می‌گیرند، در صورت مسامحه آنها یا مأمورین‌شان در وظایف و کارهای محوله، شرکاء نفت حق دارند غرامت و ضرر خود را با اطلاع سرکنسول انگلیس در اصفهان از خوانین مطالبه نمایند، اما قرارداد باطل نمی‌شود و خوانین در

مقابل هر شخص مدعی و مزاحم، ضامن و جوابگو هستند. ماده ششم یا آخرین فصل قرارداد روشن می‌کند که پس از انقضای مدت امتیاز، تمامی ابنیه، عمارت و اموال متعلق به داری در خاک بختیاری به خوانین تعلق می‌گرفت.<sup>۱۶</sup> نکته جالب توجه در این قرارداد چگونگی حل اختلاف میان خوانین بختیاری و سندیکای امتیازات داری است.

مطابق ماده اول و سوم قرارداد در صورت اختلاف میان طرفین، کنسولهای انگلیس در خرمشهر و اصفهان میانجی‌گری می‌نمودند و روشن است که این دو کنسول قطعاً جانب انگلیس را نگه می‌داشتند و به ضرر خوانین بختیاری مداخله می‌کردند.

### فروشی اراضی نفتی

سرانجام پس از اینکه در ۲۶ مه ۲۵/۱۹۰۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ از اولین چاه در منطقه نفتون، نفت بسیاری فوران کرد، انگلیسی‌ها پی بردند که مقادیر فراوانی نفت در منطقه مسجد سلیمان وجود دارد، از این رو درصدد مستحکم نمودن قرارداد خود با خوانین بختیاری و حفظ رابطه خوب با آنها برآمدند. از این رو مجموعه‌ای از امور تجاری و مالی به جریان درآمد تا شرایط قرارداد با خوانین اجرا شود. در ۱۴ آوریل ۲۳/۱۹۰۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ شرکت نفت انگلیس و ایران تشکیل شد. روز قبل از آن یعنی ۱۳ آوریل ۱۹۰۹ شرکت نفت بختیاری تشکیل شد.<sup>۱۷</sup> همچنین شرکت دیگری موسوم به شرکت بهره‌برداری اولیه شکل گرفت تا معاملات شرکت نفت ایران و انگلیس را با خوانین تسهیل نماید. این شرکتها علی‌الظاهر با هدف فراهم کردن درآمد خوانین تأسیس شدند. کشف نفت در خوزستان و در جایی که جزء قلمرو بختیاری‌ها به حساب می‌آمد، دولت انگلیس را به این باور کشاند که بایستی دوستی و اتحاد دیرینه خود را که با افتتاح جاده کاروان‌رو با بختیاریها گرم‌تر شده بود، بیش از پیش مستحکم نماید. کشف نفت در سرزمین ایل بختیاری ارزشها و فواید این ایل را برای دولت انگلیس بیش از پیش نشان داد. انگلیسی‌ها برای حفظ و گسترش نفوذ خود در خوزستان و به ویژه برای حفظ امنیت میادین نفتی به دوستی و همکاری خوانین بختیاری نیاز داشتند و خانها نیز برای حفظ خود در مقابل هرگونه قدرت رقیب و مخالفی چون ایلات همسایه و یا دولت مرکزی به حمایت سیاسی و مالی انگلیس نیاز داشتند. این منافع مشترک، دو طرف را به یک تفاهم متقابل رساند که دست دوستی و همکاری درازمدت به سوی یکدیگر دراز نمایند. از زمان کشف نفت در مسجد سلیمان تا هنگامی که رضاشاه به قدرت رسید، دولت انگلیس به شدت از خوانین بختیاری حمایت مالی و سیاسی به عمل آورد؛ حقوق و پولهای زیادی به آنها پرداخت کرد و بارها در مقابل دولت مرکزی و دیگر مخالفان از آنها پشتیبانی نمود و خانها نیز به عنوان

تحت‌الحمایه انگلیس سیاست‌های آن دولت را در جنوب ایران به ویژه در خوزستان نفت‌خیز پیش بردند.

### اختلافات خوانین با شرکت نفت جنوب

اگرچه مسئله نفت باعث اتحاد و دوستی هرچه بیشتر بختیاری‌ها و انگلیس گردید اما در طول زمان اختلافات و حتی ناراضی‌های شدیدی در میان دو طرف ایجاد شد. پس از انعقاد قرارداد میان خوانین بختیاری و نمایندگان دارسی و پس از کشف نفت در مقیاس تجاری در اراضی تحت تملک بختیاری‌ها و آغاز عملیات حفاری، خیلی زود اختلافات میان طرفین بروز کرد. این اختلافات بیشتر از همه بر سر سه مسئله متمرکز بود: فروش اراضی، تأمین امنیت و حفاظت و حراست بختیاری‌ها از میادین نفتی، و سهامی که خوانین در سندیکای نفت داشتند. در خصوص فروش اراضی موردنیاز شرکت مطابق ماده اول قرارداد ۱۹۰۵، میان دو طرف کشمکش به وجود آمد. خوانین امضاکننده قرارداد، اراضی موردنیاز شرکت را از طوایف بختیاری به قیمت ارزان خرید و به قیمت گرانتری به شرکت نفت می‌فروختند در حالی که قیمت پیشنهادی آنها برای شرکت بسیار ارزان و در واقع رایگان بود. این امر باعث شد تا مدتها کشمکش‌های طولانی میان دولت مرکزی، خوانین بختیاری و شرکت نفت ایران و انگلیس به وجود آید. هم خوانین بختیاری و هم دولت ایران اراضی مناطق نفتی را ملک طلق خود می‌دانستند و شرکت نیز هر زمانی که بر سر زیاده‌طلبی خوانین از آنها خشمگین می‌شد با توسل به ماده ۳ قرارداد دارسی مبنی بر اینکه دولت نباید اجازه بدهد صاحبان اراضی از قیمت عادلانه تجاوز کرده، تحمیلاتی به شرکت وارد نمایند، به آسانی و با قیمت ارزان اراضی موردنیاز خود را از بختیاری‌ها خریداری می‌نمود.<sup>۱۸</sup>

حفاظت و حراست از میادین نفتی یکی دیگر از موارد اختلاف و چانه‌زنی خوانین با شرکت بود. مطابق ماده‌های اول و چهارم قرارداد خوانین با نمایندگان دارسی، حفاظت و حراست از کارکنان و تأسیسات مناطق نفتی بر عهده خوانین بختیاری بود. در مقابل شرکت سالانه ۲۰۰۰ لیره انگلیسی بابت انجام این مسئولیت، هر سه ماه یک بار به آنها پرداخت می‌نمود که پس از شروع بهره‌برداری ۱۰۰۰ لیره دیگر نیز بر آن افزوده می‌گشت.<sup>۱۹</sup>

خوانین برای اجرای این تعهد، عده‌ای از سواران بختیاری را برای تأمین امنیت مناطق نفتی به کار گرفتند. از آنجایی که خوانین بختیاری فرمانروایان بلامنافع مناطق نفتی بودند، می‌توانستند از هرگونه خرابکاری در میادین و لوله‌های نفتی ممانعت به عمل آورند.<sup>۲۰</sup> اما مسائلی چون ادعای خوانین مبنی بر کم بودن مبلغ حق‌الحفاظه، عدم پرداخت به موقع حق‌الحفاظه از سوی شرکت



و بویژه اختلاف میان خوانین دو جناح ایلخانی و حاجی ایلخانی بر سر مسئله ایلخانی‌گری و ایل‌بیگی‌گری، بر کیفیت نگهداری و حفاظت از میداین نفتی تأثیر گذاشت و موجبات نارضایتی و خشم شرکت از یک سو و خوانین بختیاری را از سوی دیگر فراهم آورد. این مشکل باعث گردید در طول سالهای متمادی مذاکرات و چانه‌زنی‌های بسیاری توسط طرفین برای حل آن انجام گیرد و گاه به کشمکش‌های شدیدی میان خوانین و شرکت منجر شود.

هنوز چند ماهی از انعقاد قرارداد ۱۹۰۵/م ۱۳۲۳ ق نگذشته بود که هر دو طرف ناخشنود شدند، زیرا از یک طرف خوانین معتقد بودند شرکت، آنها را به حقوق ناچیزی قانع کرده است و بایستی حقوق واقعی آنها داده شود و از طرف دیگر شرکت ادعا داشت که حقوق و منافی که به خوانین می‌دهد پول زور و تقریباً چیزی شبیه حوالسکوت و یا باج سبیل می‌باشد.<sup>۲۱</sup> مقامات سندیکای نفت و دیگر انگلیسی‌ها، حتی لوریمر کنسول انگلیس در اهواز خوانین را اشخاص طمع‌کار و حتی بی‌شرمی دانست که معامله با آنها بسیار مشکل است.<sup>۲۲</sup> اسپرینگ ریس<sup>۲۳</sup> کاردار انگلیس طی نامه‌ای به وزارت خارجه متبوعش نوشت: «بیشتر بحث و گفتگوی خوانین نادرست و سفسطه‌آمیز است. ظاهراً آنها تصمیم گرفته‌اند تا آنجا که ممکن است پول بیشتری دریافت کنند و احتمالاً تنها در برابر زور تسلیم خواهند بود.»<sup>۲۴</sup> در فوریه ۱۹۰۶/ذیحجه ۱۳۲۳ خوانین بختیاری علائمی از نگماردن نگهداران در ماماتین و میدان نفت نشان دادند. ادعای آنها این بود که ۲۰۰۰ لییره‌ای که مطابق قرارداد ۱۹۰۵ جهت حفاظت از مناطق نفتی در نظر گرفته شده است برای تهیه یک نیروی مناسب ناکافی است. آنها از سندیکای نفت تقاضا کردند که یک فوق‌العاده سالیانه به مبلغ ۵۰۰ لییره به یکی از رؤسای برجسته بختیاری پرداخته شود تا او به عنوان سرپرست محلی نگهداران منصوب گردد. خوانین یکی دو ماه بعد اظهار تمایل کردند که اصلاحاتی در بعضی مواد قرارداد به ویژه مواد مربوط به مسئولیت نگهداری صورت گیرد.<sup>۲۵</sup>

در اواسط ۱۹۰۶/م ۱۳۲۴ ق حکومت هند از دولت انگلیس تقاضا نمود امور بختیاری به جای اینکه به سفارت انگلیس در تهران محول شود، بهتر است به لوریمر<sup>۲۶</sup> کنسول یار انگلیس در اهواز واگذار گردد.<sup>۲۷</sup> این بدان جهت بود که خوانین بختیاری به ویژه در مسئله نفت، بیشتر به دنبال کسب نظرات سفارت انگلیس در تهران بودند تا به واسطه دور بودن و ناآشنایی وزیرمختار از امور نفت بتوانند نظر موافق وی را نسبت به خود جلب نموده، امتیاز بگیرند. اما سرانجام، هم حکومت هند و هم سفارت انگلیس در تهران متوجه این نکته گردیدند که مواضع انگلیسی‌ها باید نسبت به امور بختیاری یکی شده و یک صدا و متحد در مقابل زیاده‌خواهی‌های آنها بایستند. در اکتبر ۱۹۰۶/م ۱۳۲۴ ق وزیرمختار انگلیس در تهران به وزارت خارجه متبوع خود پیشنهاد نمود که امور بختیاری تحت تصدی نایب کنسول انگلیس در اهواز قرار گیرد



و او تحت نظارت و اداره سفارت، عهده‌دار امور بختیاری باشد.<sup>۲۸</sup> لوریمر مسئول جدید امور بختیاری در پاییز ۱۹۰۶م/۱۳۲۴ق به منطقه بختیاری سفر کرد و به خواسته‌های خوانین گوش فرا داده و تقاضای آنها را درباره حفاظت از منطقه عملیات نفتی، با شرکت سندیکای امتیازات مطرح کرد، اما خوانین همچنان به دنبال آن بودند تا از اختلافات مواضع کنسول‌گری در اهواز و سفارت در تهران امتیازی به سود خود کسب نمایند. در نتیجه در مه ۱۹۰۷م/۱۳۲۵ق سرپرسی لورین<sup>۲۹</sup> دبیر سفارت با حضور در منطقه بختیاری آشکارا اعلام نمود که از آن پس تمامی کارهای سفارت و بختیاری‌ها بایستی از طریق لوریمر کنسول‌یار سیار انگلیس که هم‌اکنون در اهواز است، انجام شود. حتی هنگام مذاکره خوانین در تهران، سفارت بایستی پیش از دخالت در مسئله، با لوریمر در تماس باشد.<sup>۳۰</sup> همچنین اعلام شد که تنها لوریمر می‌تواند واسطه‌ها و طرف انگلیسی باشد، که بدین ترتیب منافع بریتانیا با یک صدا و یک آهنگ در مناطق بختیاری افزایش می‌یافت. اسپرینگ ریس به هنگام دادن گزارش لورین به ادوارد گری<sup>۳۱</sup> وزیر امور خارجه انگلیس، کاملاً با توصیه‌های او موافقت کرد. او به وزارت خارجه متبوعش اطلاع داد که مایل است تا آنجا که امکان دارد امور بختیاری‌ها و نفت را در پس پرده نگه دارد.<sup>۳۲</sup>

۹۱ لوریمر که اکنون همه کاره امور بختیارها شده بود به طور مکرر با خوانین بختیاری دیدار و مذاکره می‌نمود. همین دیدارهای مکرر از مناطق بختیاری‌نشین باعث گردید در زمینه فرهنگ و ادبیات بختیاری تحقیقاتی نموده، مطالبی بنویسد.<sup>۳۳</sup> او آنان را وادار کرد از همه تقاضاهای خود غیر از درخواست برای افزایش حق الحفاظه، صرف‌نظر نمایند. مصالحه طرفین تا بدانجا انجامید که با موافقت سندیکا مبلغ حق الحفاظه از ۲۰۰۰ لیره به ۲۵۰۰ لیره افزایش یافت، اما مقرر شد ۵۰۰ لیره اضافه شده به عنوان حق الزحمه، به خانی پرداخت شود که ریاست و مسئولیت نگهبانان را به عهده داشته است. شرکت، افزایش حق الزحمه را به شرطی پذیرفت که خوانین از یک طرف تقاضای دیگری نداشته باشند و از طرف دیگر ادعای لطفعلی خان شجاع‌السلطان مبنی بر اینکه بعضی اراضی که شرکت در آنجا مشغول عملیات است ملک او است، خود حل و فصل نمایند.<sup>۳۴</sup> با اضافه شدن این مبلغ، خوانین از دیگر ادعاهای خود عقب نشینی کردند، اما زمان پرداخت حق الحفاظه‌ها مشکل دیگری بود که باعث عدم رضایت خوانین و نگهبانها و ناآرامی و ناامنی در میدین نفتی می‌گردید. طی تابستان و پاییز ۱۹۰۶م/۱۳۲۴ق، با عدم پرداخت به موقع اقساط حق الحفاظه اغتشاشاتی در مناطق نفتی ایجاد شد و خوانین و نگهبانها به شدت ناراضی شدند. برای جلوگیری از تکرار چنین مشکلاتی ترتیبی داده شد که اقساط از طریق سرکنسول انگلیس در اصفهان در عوض رسید امضا شده توسط ایلخانی و ایل‌بیگی بختیاری پرداخت شود.<sup>۳۵</sup> در این هنگام چون نرخ ارز بسیار تنزل کرده بود، خانها در ابتدا حاضر نبودند مبلغی را که توسط بانک با نرخ رایج مبادله

می‌پرداخت، بپذیرند، اما در نهایت حاضر به پذیرش آن گردیدند.<sup>۳۶</sup> با اضافه شدن حق‌الحفاظه، لوریمر و شرکت سندیکای امتیازات با اتخاذ یک سیاست واحد، خوانین بختیاری را تهدید کردند که اگر تعداد نگهبانان را افزایش ندهند، اقساط حق‌الحفاظه آنها پرداخت نخواهند شد.<sup>۳۷</sup> در فوریه ۱۹۰۷/ محرم ۱۳۲۵ لوریمر به وزیرمختار انگلیس در تهران گزارش داد که علی‌رغم تلاش‌های وی، خوانین بختیاری هیچ ترتیبات صحیحی برای نگهبانی تأسیسات سندیکای نفت نداده‌اند.<sup>۳۸</sup>

واقعیت این بود که بی‌نظمی و عدم ترتیب در حفاظت از مناطق نفت‌خیز تنها در جهت اختلافات خوانین و شرکت سندیکای امتیازات نبود بلکه خوانین بختیاری خود نیز با یکدیگر مشکل داشتند. بی‌نظمی و ناامنی مناطق نفت‌خیز معلول همین اختلافات بود. اختلاف میان دو جناح ایلخانی و حاجی ایلخانی بر سر حکومت بختیاری سالها ادامه داشت. اگرچه قرارداد ۱۹۰۵ را، ایلخانی و ایل‌بیگی که از هر دو طیف بودند امضا کرده بودند، اما دو جناح تلاش می‌کردند از مسئله نفت به سود حاکمیت خود بر بختیاری بهره ببرند. به هنگام این گونه رقابت‌های داخلی، خوانین بر سر گرفتن ریاست نگهبانان مناطق نفتی نیز با یکدیگر رقابت می‌نمودند و یا تلاش می‌کردند حق‌الحفاظه فقط به آنها پرداخته شود. در ماه مه ۱۹۰۶/ ربیع‌الاول ۱۳۲۴ گزارشی به سفارت انگلیس در تهران رسید که سالار ارفع، نگهبانان اعزامی از سوی صمصام‌السلطنه برای حفاظت از چاههای نفت را دور رانده است.<sup>۳۹</sup> گرانت دوف<sup>۴۰</sup> وزیرمختار انگلیس در تهران این مسئله را به صدراعظم ایران گزارش کرد. صدراعظم بلافاصله فرمانی برای مرتضی قلی‌خان و معین همایون مبنی بر جایگزینی نگهبانان دیگر صادر نمود. صدراعظم به سردار اسعد دستور داد از ایجاد مشکل دست بردارد.<sup>۴۱</sup> در مورد اختلاف بر سر ۵۰۰ لیره حق‌الحفاظه اضافه شده، بعداً صمصام‌السلطنه و شهاب‌السلطنه بدین ترتیب توافق کردند که سندیکای نفت داری به هر یک از چهار خان امضاءکننده، یک چهارم از ۵۰۰ لیره را پرداخت نماید.<sup>۴۲</sup> به نوشته گارثویت، لوریمر و شرکت سندیکای امتیازات در رقابت میان دو جناح ایلخانی و حاجی ایلخانی، غلامحسین خان شهاب‌السلطنه از جناح حاجی ایلخانی را تشویق کردند خود را به مقام ایلخانی برسانند تا مسئولیت حفاظت مناطق نفتی را برعهده او بگذارند. شهاب‌السلطنه ایل‌بیگی بختیاری نیز به لوریمر تعهد کتبی داد که اگر ایلخانی بختیاری شود به شرکت سندیکای امتیازات اجازه خواهد داد مستقیماً حقوق نگهبانان منطقه عملیات نفتی را پرداخت کند و آن مبلغ از کل وجوه مستمری او کسر گردد. لوریمر تصور می‌کرد پیشنهادات شهاب‌السلطنه قابل پذیرش می‌باشد، اما اسپرینگ رایس وزیرمختار انگلیس چندان تمایلی به پیش قدم شدن در این کار نداشت. او در آوریل ۱۹۰۷/ صفر ۱۳۲۵ با شجاع‌السلطان (امیرمفخم بعدی) برادر شهاب‌السلطنه ملاقات کرد و در آنجا بود که پی برد شهاب‌السلطنه به جای صمصام‌السلطنه از سوی محمدعلی شاه به سمت ایلخانی بختیاری برگزیده شده است.<sup>۴۳</sup> بنابراین مسائل مربوط به

نفت مستقیماً با او ارتباط پیدا کرد. ظاهراً سفارت بریتانیا در این انتصاب فشار مستقیمی به تهران وارد نیاورد و ترتیبی اتخاذ شد که این انتصاب صرفاً به عنوان نزدیکی شجاع‌السلطان با شاه قلمداد شود. با این انتصاب، شهاب‌السلطنه و برادرش شجاع‌السلطان که با سفارت انگلیس به توافق رسیده بودند به طوایف تحت فرمان خود دستور دادند نظم را در قلمرو بختیاری برقرار سازند و نگهبانان مناطق نفتی بر سر کار خود باقی بمانند. ولی در مجموع نظم و آرامش در منطقه بختیاری و به ویژه میادین نفت برقرار نگردید، زیرا میان صمصام‌السلطنه ایلخانی مخلوع و شهاب‌السلطنه ایلخانی جدید درگیری‌های مسلحانه‌ای رخ داد. صمصام دستور داد نگهبانان بختیاری حوزه‌های نفتی را ترک گویند. هر دو طرف به سراسپرینگ رایس شکایت بردند و هر کدام سعی کردند نظر وی را به خود جلب کنند و خطراتی را که طرف مقابل می‌توانست به جان و مال اتباع انگلیس وارد آورد، به او خاطر نشان کنند. در همین ایام تفنگچی‌های صمصام به پیک سفارت انگلیس حمله بردند و به احتمال زیاد به تحریک وی، راهزنان کهگیلویه‌ای به حوزه‌های عملیات نفتی دستبرد زدند.<sup>۴۴</sup> ناامنی و بی‌نظمی در مناطق نفت‌خیز بختیاری و بی‌توجهی خوانین بختیاری نسبت به حل اختلافات خودشان و عمل نکردن به تعهدات حفاظت و حراست از مناطق نفت‌خیز، قرارداد ۱۹۰۵ نفت را با مشکلات فراوانی مواجه ساخت تا جایی که شرکت اعلام نمود احتمال قطع عملیات حفاری وجود دارد، زیرا به قدر کافی نگهبان در اختیار ندارند و نگهبانان اعزامی از طرف خوانین نیز چنان از نظر تعداد کم هستند که نمی‌توانند از تأسیسات حفاظت کنند. از این رو شرکت وادار گردید جهت حفاظت از میادین نفتی، سربازانی را از هند وارد نماید. بلوشر می‌نویسد: «بختیاری‌ها که مالک آن خطه به شمار می‌رفتند همه چادر نشینان راهزنی بودند که خطری دائمی برای جان و مال خارجی‌ها بودند. گاه کار مزاحمت و سرکشی آنان به جایی می‌کشید که ناگزیر می‌شدند برای حمایت از کارکنان شرکت، یک واحد از سربازان هندی را به خدمت بگیرند.»<sup>۴۵</sup> در سپتامبر ۱۹۰۷ / شعبان ۱۳۲۵ کنسول انگلیس در اهواز گزارش داد که زندگی مستخدمان اروپایی سندیکای نفت داری به علت موضع تجاوزکارانه مردان ایل بختیاری - ناشی از درگیری مربوط به خلع صمصام از ایلخانی‌گری - بیشتر از زمان دیگر در خطر قرار گرفته است و مسئله حفاظت مسلحانه از آنها اهمیت بیشتری یافته است. او پیشنهاد کرد که گارد کنسولگری اهواز بایستی به ۱۷ نظامی یا بیشتر افزایش یابد که دوازده نفر آنها بایستی در تأسیسات نفت و بقیه در ماماتین مستقر گردند.<sup>۴۶</sup> در واقع این بهانه‌ای بود که تعداد گارد کنسولگری خود را افزایش دهند. سیزدهم اکتبر دولت هند به چارلز مارلینگ اطلاع داد که آنها باید اعزام دو افسر انگلیسی و ۲۰ سرباز را تدارک ببینند. در بیست و هشتم اکتبر کنسول اهواز پیشنهاد کرد که گارد کنسولگری حداقل باید شامل هشت مرد مسلح باشد. دولت انگلیس در پاسخ به اصرارهای کنسولگری، افزایش نفرات گارد را پذیرفت و در بیست و یکم

نوامبر از دولت هند خواستند ۲۰ سرباز و دو افسر انگلیسی را به سمت مناطق نفت‌خیز خوزستان اعزام نماید. دولت هند دوازده پیاده و هشت سوار را تحت نظر دو افسر انگلیسی به نام‌های ویلسون و رنکینگ از هنگ هجدهم نیزه‌دار بنگال در نوامبر ۱۹۰۷/شوال ۱۳۲۵ به ایران اعزام نمود که نیمه دوم ماه دسامبر ۱۹۰۷ به اهواز رسیده و حفاظت از کنسولگری اهواز را برعهده گرفتند.<sup>۴۷</sup> اعزام این سربازان در صورت ظاهر برای حفاظت از کنسولگری اهواز بود، ولی مقصود اصلی حراست از میدان‌های اکتشاف نفت تا زمان تولید و یا ترک کارشناسان نفتی از این مناطق بود. حضور این نیرو در مناطق نفت‌خیز بختیاری موجبات تکدر خوانین بختیاری را فراهم آورد و آنها از آن پس هر از چند گاه کارشکنی و اخلال در حراست و امنیت مناطق نفتی ایجاد می‌کردند.<sup>۴۸</sup> با وجود این نگرهبانان بختیاری که از جانب خوانین تعیین می‌شدند، همچنان حفاظت و حراست از بخش اعظم مناطق نفتی را برعهده داشتند و روابط خوانین و شرکت بر سر مسئله نگرهبانی تأسیسات نفتی و حق‌الحفاظه آنها با فراز و نشیب ادامه یافت. حتی در سال ۱۹۱۹م زمانی که لوله‌های نفتی قطع گردید شرکت به شدت دولت را مسئول دانسته و ادعا کرد که از خسارت‌های قطع شدن لوله‌ها صرف‌نظر کرده و اگر چه مجبور است ۳۰۰۰ لیره به خوانین بختیاری بپردازد اما مطابق ماده چهارده امتیاز داری مسئولیت همه نوع حفاظت منافع کمپانی بر عهده دولت قرار دارد.<sup>۴۹</sup> تا اینکه پس از قدرت‌یابی رضاخان و افزایش اقتدار دولت مرکزی، نیروهای ارتش حفاظت از میادین نفتی را به دست گرفتند و جایگزین نگرهبانان بختیاری شدند.

### مسئله سهام نفتی

مسئله دیگری که در افزایش اختلافات خوانین بختیاری و شرکت نفت ایران و انگلیس نقش زیادی داشت، مسئله سهام تعلق گرفته به خوانین و سود سالیانه حاصله از آنها بود. مطابق قرارداد ۱۹۰۵، سه درصد از سهام هر شرکتی که برای کشف نفت در بختیاری تأسیس می‌گردید به خوانین بختیاری تعلق می‌گرفت، اما وقتی که شرکت نفت ایران و انگلیس به وجود آمد این شرکت باقی ۹۷ درصد از سهام شرکت نفت بختیاری و همه سهام شرکت بهره‌برداری اولیه را دریافت نمود. یعنی برخلاف قرارداد خوانین و داری تنها سه درصد از سهام و درآمد یک شرکت را به خوانین پرداخت نمودند. خوانین متوجه این فریب انگلیسیها نشدند و به این امر اعتراض ننمودند. اگر چه از مدتها قبل روابط میان خوانین و شرکت بر اثر چشم هم چشمی‌های خصمانه بر سر پول، حقوق و مناصب، مشکلاتی ایجاد کرده بود و هم حق‌الحفاظه‌ها و هم فروش اراضی، سوءظن را در میان هر دو طرف گسترده بود، اما جدی‌ترین علت بر هم خوردن روابط میان خوانین و شرکت، از مسئله سهام خوانین در شرکت

نفت بختیاری و شرکت بهره‌برداری اولیه ناشی می‌گردید که منجر به آسیبی مهلک به خوانین از سوی بخشی از مدیریت ارشد شرکت گردید. تا ژوئن ۱۹۲۱م/۱۳۰۰ش مقامات شرکت شکایت داشتند که سه درصد حق‌الامتیازهایی که آنها در ۱۹۰۵م/۱۲۸۴ش با آن موافقت کردند به زور بر آنها تحمیل شده است. خوانین نیز به نوبه خود به شرکت و متحدش یعنی بانک شاهنشاهی بی‌نهایت بدگمان بودند و فکر می‌کردند که هر دوی آنها خواسته‌اند آنها را فریب بدهند. مدت زمان زیادی از قرارداد ۱۹۰۵ نگذشته بود که خوانین دریافتند آنها تنها مغبون این قرارداد هستند. آنها از کمی سهم خود شکایت داشته، معتقد بودند که بایستی حق‌السهم بیشتری به آنها پرداخته شود.<sup>۵۱</sup> مطابق قرارداد ۱۹۰۵م/۱۲۸۴ش سهام خوانین به نام چهار خان بزرگ، نیمی به طور شراکتی به نام دو تن از خانواده ایلخانی یعنی صمصام‌السلطنه و سردار اسعد و نیمه دیگر به طور شراکتی به نام دو تن از خانواده حاجی ایلخانی یعنی سردار محتشم و سردار جنگ ثبت گردیده بود. به محض صدور سهام، خوانین تلاش کردند از وام‌دهندگان انگلیسی و غیرانگلیسی، در عوض سهام خود قرض بگیرند. قرضه خوانین از منابع غیرانگلیسی در مقابل تضمین سهامشان و بازپرداخت آن سبب مشکلات و نگرانی فراوان مقامات شرکت گردید. تا ۱۹۲۰م/۱۲۹۹ش از ۲۱۰۰۰ سهام ثبت شده خوانین در شرکت نفت بختیاری، ۹۳۳۰ سهام در تصرف آنها بود و ۱۱۶۷۰ سهم در بانک شاهنشاهی ایران تحت عنوان تضمین قرضه‌ها به وثیقه گذاشته شده بود.<sup>۵۲</sup> شرکت و بانک از بی‌ثباتی ناشی از سهام خوانین در عذاب بودند. ترس شرکت از اینکه سهم خوانین ممکن است در نتیجه نیاز سیری‌ناپذیر خوانین به پول، سرانجام در بیرون از انگلیس و شاید در دست دشمنان انگلیس قرار گیرد، بر معاملات شرکت با خوانین سایه افکند. از این رو مقامات انگلیسی هم در سفارتخانه و هم در شرکت و بانک شاهنشاهی ایران تصمیم گرفتند از مشکلات مالی خوانین و نیاز دائمی آنها به قرضه‌های فردی به عنوان وسیله‌ای برای کنترل آنها استفاده نمایند.<sup>۵۳</sup> شرکت نفت ایران و انگلیس سیاستی فعال و تعمدی با هدف ایجاد وابستگی مالی خوانین اعمال نمود و تاکتیک‌های تهاجمی خود را که از لحاظ حقوقی ایراد داشتند، تا پایان به کار بست. مقامات شرکت در تشویق خوانین به اخذ قرضه‌های پی‌در پی، آنان را با یک رشته از موافقت‌نامه‌های پیچیده و بی‌اعتبار مالی، فریب دادند؛ هر چند خود به خوبی می‌دانستند که خوانین هرگز نخواهند توانست آنها را بازپرداخت نمایند. این گرفتاری‌ها باعث شکست خیلی از این خوانین گردید. خوانین نیز به نوبه خود را در رفتارهایی که احمقانه، هرزه، آزمندانه و متقلبانانه بود، درگیر نمودند؛ رفتارهایی که برای شرکت خیلی مناسب بود و در نهایت به پیروزی آن منجر گردید.<sup>۵۴</sup> خوانین بختیاری حتی برای شرکت نفت ایران و انگلیس نیز در دسر آفرین شدند. اگر چه روابط میان شرکت و

خوانین از ابتدای برقراری آن صمیمانه بود و اساساً این روابط برای شرکت ضروری و برای خوانین پرسود بود، اما هرگز در این روابط سازگاری پدید نیامد. شرکت پی برد که خوانین بهانه گیر، مسئولیت ناپذیر و غیرقابل اتکا می‌باشند خوانین از ابتدا این عقیده را داشتند که شرکت می‌خواهد سر آنها کلاه بگذارد.<sup>۵۵</sup>

هنگامی که سرانجام دولت رضاشاه بر ضد خوانین بختیاری اقدام نمود، شرکت بی‌درنگ از حمایت آنها عقب‌نشینی کرد و علاوه بر این، از اینکه می‌دید از دست شریکان محلی خود خلاص می‌گردد، بسیار خوشحال بود. دولت رضاشاه با چراغ سبز شرکت نفت ایران و انگلیس توانست خوانین بختیاری را شکست داده، هم سهام آنها را از چنگشان بریاید و هم مالیات چندین ساله سود سهامشان را به طور تمام و کمال از آنها وصول نماید.

### پانوشتها:

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر.

۹۶

1- Henry Layard.

۲- لایارد، هنری، سفرنامه لایارد، ترجمه مهرباب امیری، تهران، آذران، چ دوم، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶.

3- Rawlinson.

۴- راولینسون، سرهنری، سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان)، ترجمه اسکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران، چ اول، آگاه، ۱۳۶۲، ص ۱۰۰.

6- William N. Darcy.

۵- فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، تهران، پیام، چ دوم، ۱۳۵۸، ص ۲۵۰.

۷- ابطحی، علیرضا، نفت و بختیاریها، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چ اول، ۱۳۸۴، صص ۳۹-۳۸.

۸- اوژن بختیاری، ابوالفتح، تاریخ بختیاری، تهران، وحید، چ اول، ۱۳۴۴، ص ۱۷۵.

10- J. R. Preece.

۹- همان، ص ۱۷۶.

۱۱- گارنویت، جن راف، تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ترجمه مهرباب امیری، تهران، سپند، چ اول، ۱۳۷۳، ص ۲۰۶.

۱۲- تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، همان، ص ۲۰۸.

۱۳- تاریخ بختیاری، ص ۱۷۶.

14- Reynolds.

۱۵- سازمان اسناد ملی ایران، سند شم ۳۹۷/۴۹/۵-۷، ۲۴۰ -

۱۶- همان سند.

17- Cronin, Stephanie, *Politics of Debt: the Anglo-Persian oil company and Bakhtiyari Khans*, Middle Eastern Studies, Vol. 40, No. 4, July 2004, p. 4.

۱۸- سازمان اسناد ملی ایران، سند شم ۲۸۰/۱۲۲/۳۰ - ۲۴۰، نامه شخصی ناشناس به وزارت خارجه در تاریخ ۷ اوت ۱۹۱۹.

۱۹- همان، سند شم ۳۹۷/۴۹/۵/۷ - ۲۴۰.

بختیاربها، نفت و دولت انگلیس

- ۲۰- بلوشر، ویپرت، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی، چ اول، ۱۳۶۳، ص ۲۶۱.
- 21- Cronin, Politics of Debt..., p.
- 22- Iran Political Diaries, v. 3, p. 261.
- 23- Spring rice.
- ۲۴- تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ص ۲۱۷.
- 25- Iran Political Diaries, v. 3, p. 106
- 26- Lorimer.
- ۲۷- تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ص ۲۱۶.
- 28- Iran Political Diaries, v. 3, p. 209.
- 29- Sir Percy Loriane.
- ۳۰- استرانک، تئودور، حکومت شیخ خزعل...، ص ۱۲۹.
- 31- Sir Edward Grey.
- ۳۲- حکومت شیخ خزعل... همان.
- ۳۳- مینورسکی، دوید، ادموندز، دو سفرنامه درباره رساله لرستان و لرها، ترجمه اسکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار، تهران، بابک، چ اول، ۱۳۶۲، ص ۳۰.
- 34- Iran Political Diaries, v. 3, p. 106.
- 35- Ibid.
- 36- Ibid.
- ۳۷- تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ص ۲۱۷.
- 38- Ibid, 482.
- 39- Iran Political Diaries, v. 3, p. 162.
- 40- Grant Duff.
- 41- Iran Political Diaries, v. 3, p. 162.
- 42- Ibid.
- ۴۳- تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ص ۲۱۸.
- ۴۴- همان، ص ۲۲۰.
- ۴۵- سفرنامه بلوشر، ص ۲۶۱.
- 46- Iran Political Diaries, v. 3, p. 445.
- 47- Ibid, p. 446.
- ۴۸- عباسی، دانش، تاریخ مسجد سلیمان، تهران، هیرمند، ۱۳۷۴، چ اول، صص ۱۰۱-۱۰۲.
- ۴۹- سازمان اسناد ملی ایران، سند شم ۲۸۰/۱۲۲/۳۰ - ۲۴۰.
- 50- Cronin, Politics of Debt..., p. 8.
- ۵۱- مکین روز، الیزابت، با من به سرزمین بختیاری بیایید، ترجمه مهراب امیری، تهران، آنران، چ اول، ۱۳۷۳، ص ۵۹.
- 52- Cronin, Politics of Debt..., p. 8.
- 53- Ibid, p. 9.
- 54- Ibid, p. 1.
- 55- Ibid, p. 2.